

روایتی از تاریخ اقتصادی نصف جهان

نام‌های ماندگار



از انجمن تجار تا اتاق بازرگانی اصفهان

یک صد و بیست سال کارآفرینی در نصف جهان؛ داستان مردانی که به‌جای گله از روزگار، کارخانه ساختند، مدرسه ساختند و نهاد ساختند.

اصفهان

از ۱۲۶۸ تا ۱۴۰۵

تهیه و تدوین: نوید ادريس



در این ارائه چه می‌خوانیم؟

بخش اول

ریشه‌ها

شهری که هزار سال بر مدار مبادله
چرخید

بخش دوم

تکانه بیرونی

ماشین آمد و امتیاز فروخته شد و
بازار بیدار شد

بخش سوم

انجمن تجار

دوازده نفر در یک باغ و جرقه‌ای که
گرفت

بخش چهارم

چهره‌های ماندگار

کسانی که نامشان امروز بر در و
دیوار اتاق است

بخش پنجم

شرکت اسلامی

وقتی مردم برای نخستین بار سهام‌دار
شدند

بخش ششم

عصر کارخانه

از گز کرمانی و ریسباف تا سیمان
اصفهان

بخش هفتم

تولد اتاق

از تشکل داوطلبانه تا نهاد قانونی

یک باغ، یک روز جمعه و دوازده نفر که حوصله‌شان سر رفته بود

تاریخ اتاق بازرگانی اصفهان از روی کاغذ قانون شروع نمی‌شود. از یک مهمانی خانگی شروع می‌شود.

۲۵

سال طول کشید تا این جمع خودجوش، اسم رسمی (اتاق تجارت) بگیرد.

۲۰۰۰

چهار ماه بعد، همان باغ میزبان دو هزار فعال اقتصادی بود.

۱۲۸۵

دوازده تاجر در باغ حاج محمدحسین کازرونی جمع شدند تا فکری برای شهرشان بکنند.

تاریخ این نهاد از سال ۱۲۸۵ شروع می‌شود، نه از ۱۳۱۰؛ بیست‌وپنج سال پیش از آنکه قانونی وجود داشته باشد، این تشکل عملاً کار می‌کرد.

خروجی

۱ ریشه‌ها

اصفهان کارآفرینی را در قرن چهاردهم یاد نگرفت؛ هزار سال بود که آن را زندگی می‌کرد.

آنچه کم داشت

بازار سنتی و نهادهایش

شهری بر مدار مبادله

شهری که بر مدار مبادله می‌چرخید

روزگار ساسانی

اصفهان کارآفرینی را دیروز یاد نگرفت. این شهر هزار سال سر چهارراه بود و هر کاروانی که از ایران می‌گذشت، اینجا بار می‌انداخت.

ابریشم و حقوق گمرکی کاروان‌ها، از مهم‌ترین منابع درآمد بود. اصفهان درست روی این مسیر نشسته بود.

روزگار صفوی

نقش جهان و قیصریه، قلب مبادلات شدند و جلفای نو، شبکه تجاری ارمنیان را به اروپا وصل کرد.

نوسازی شیخ بهایی

بازار تفنگ‌سازان، ریخته‌گران و آهنگران سامان گرفت؛ خوشه صنعتی، چهارصد سال پیش از آنکه اسمی داشته باشد.

روزگار قاجار

صادرات منسوجات دست‌باف هنوز رونق داشت، اما پارچه ماشینی اروپا کم‌کم بازار را می‌بلعید.



اجتماع مردم و بازاریان اصفهان در دوره قاجار. بازار، هم محل داد و ستد بود و هم محل تصمیم‌گیری.

مزیت اصفهان جغرافیا نبود، انباشت مهارت و شبکه تجاری بود. جغرافیا را نمی‌شود ساخت؛ این دو را می‌شود.

خروجی

بازار همه‌چیز داشت، جز آنچه لازم بود

اصفهان پول داشت، مهارت داشت، اعتماد داشت. تنها چیزی که کم داشت ابزار بود و همین یک قلم، همه‌چیز را عقب نگه داشته بود.

آنچه داشت

اصناف و ریش‌سفیدی برای تنظیم قیمت و کیفیت

حجره و مضاربه برای تأمین مالی کوتاه‌مدت

ملک‌التجار به‌عنوان نماینده تجار نزد حکومت

صرافی و حواله برای انتقال پول میان شهرها

وقف، برای ساختن شهر از دل تجارت

آنچه نداشت

شرکت سهامی برای جمع‌کردن سرمایه خرد

بانک ملی برای اعتبار بلندمدت

قانون تجارت برای حفاظت از قرارداد و مالکیت

تشکل فراصنفی برای یک صدای واحد

دسترسی به ماشین و مهارت فنی روز

بازار سنتی سرمایه و اعتماد داشت، اما سه ابزار نداشت: شرکت سهامی، بانک، قانون تجارت. صد سال بعدی تلاش برای ساختن همین سه است.

خروجی

تکانه بیرونی

هیچ نهادی از سر آسودگی ساخته نمی‌شود. اصفهان هم وقتی متشکل شد که پایش لب پرتگاه رسید.

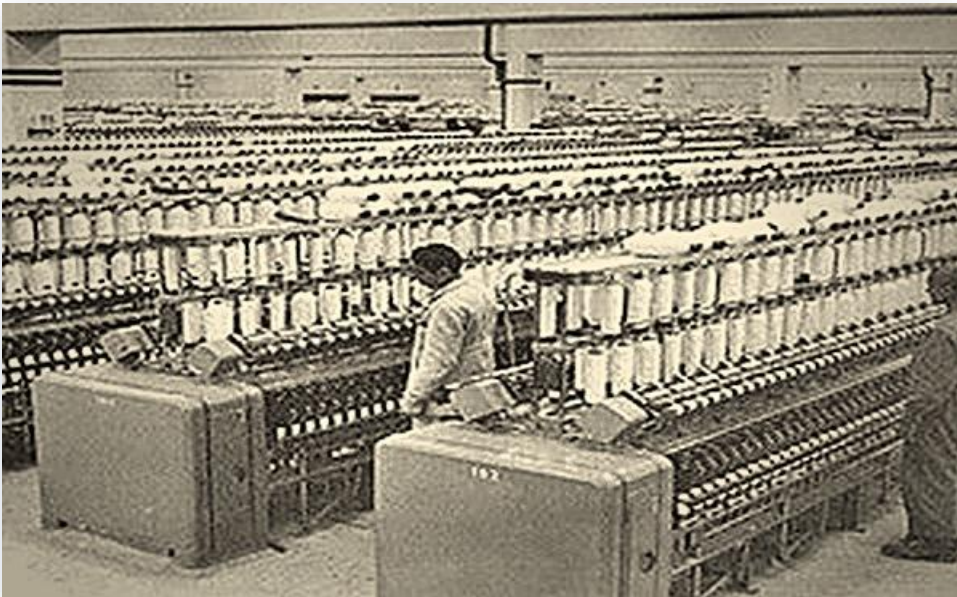
رژیم و درسی که ماند

نخستین کارخانه در ایران

ماشین در انگلستان

در آن سوی دنیا، دو نجار زندگی اصفهان را عوض کردند

انقلاب صنعتی از نساجی شروع شد؛ یعنی دقیقا از همان چیزی که نان اصفهان در آن بود.



سالن ریسندگی ماشینی. کاری که در اصفهان یک هفته طول می کشید، اینجا یک ساعت وقت می برد.

سال ۱۷۶۴ میلادی

جیمز هارگریوز

یک نجار و بافنده انگلیسی، ماشین نخریسی ساخت و بهره‌وری ریسندگی را چند برابر کرد.

سال ۱۷۸۵ میلادی

ادموند کارترایت

ماشین بافندگی با نیروی محرکه معرفی کرد و کار بافت را از دست انسان گرفت.

رقیب بازار اصفهان یک کشور نبود، یک ماشین بود. تهدید فناورانه با تحریم و تعرفه حل نمی‌شود؛ فقط با فناوری حل می‌شود.

خروجی

پیش از آنکه منچستر ایران شود، مشتری منچستر بود

لقبی که امروز مایه افتخار است، از دل یک تحقیر تاریخی بیرون آمد.

واکنش اول: انجمن شرقی

تشکلی که هدفش رفع احتیاج کشور از کالای خارجی بود. بنیان گذاراناش مجدالاسلام کرمانی، سید جمال واعظ، ملک المتکلمین و میرزا علی جناب بودند.

جرج کرزن، سال ۱۸۹۲

در کتاب ایران و مسئله ایران نوشت که منچستر، لباس رسان همگانی اصفهان است. یعنی شهری که قرن‌ها پارچه‌اش شهره بود، حالا تن مردمش را کارخانه‌های انگلستان می‌پوشاند.

واکنش دوم: انجمن اسلامی

حلقه‌ای از تجار و روحانیان اصلاح طلب اصفهان با همان هدف: احیای صنعت نساجی بومی.

چرا این تحقیر مهم بود؟

اصفهان یک شهر فقیر نبود که بخواهد صنعتی شود. شهری بود که صنعتش را از دست داده بود و می‌خواست پشش بگیرد. انگیزه، احیا تبدیل شد و نه آغاز.

واکنش سوم: شرکت سازی

مسعودیه و اسلامیه، هر دو در سال ۱۳۱۶ قمری، به دستگیری حاج محمدحسین کازرونی.

خروجی

دارالصنایع شدن آرزوی یک نسل بود، نه یک شعار اداری. لقب منچستر ایران را اصفهان از رقیبش پس گرفت.

نخستین کارخانه ایران و عیبی که با خودش آورد

چرا این خبر برای اصفهان بد بود؟

اصفهان آن روزها بزرگ‌ترین قطب نساجی دست‌باف ایران بود. هزاران شعرباف، عباباف، رنگرز و چیت‌ساز در بازار این شهر نان می‌خوردند.

ورود پارچه ماشینی ارزان، یک خبر اقتصادی دور نبود؛ یعنی خالی‌شدن حجره‌ها در بازار اصفهان.

تجار اصفهان دو پاسخ برای آن پیدا کردند و هر دو پاسخ، تاریخ‌ساز شد: یکی ساختن تشکل، دیگری ساختن کارخانه.

۱۲۷۵

سالی که نخستین کارخانه ایران با تولید به شیوه امروزیین ثبت شد: یک ریسمان‌ریسی، نزدیک تهران.

اما این صنعت، از روز اول لنگ می‌زد

وارداتی بود: ماشین و دانش فنی، همه از بیرون.

وابسته بود: قطع رابطه یعنی تعطیلی کارخانه.

تنها بود: نه زنجیره تأمین داخلی، نه پیوند با دانشگاه.

صنعت وارداتی بدون زنجیره تأمین داخلی عمر کوتاهی دارد. اصفهان تنها جایی بود که هم‌زمان سراغ کارخانه و سراغ تشکل رفت.

خروجی

تنباکو: روزی که بازار فهمید چقدر قدرت دارد

رژمی نخستین باری بود که بازار فهمید اگر همه با هم ساکت بمانند هیچ اتفاقی نمی‌افتد، اما اگر همه با هم حرف بزنند، شاه هم گوش می‌دهد.



فروش امتیاز به شرکت‌های خارجی، به رویه‌ای عادی

۱ بیست‌ونهم اسفند ۱۲۶۸

امتیاز انحصاری خرید و فروش توتون و تنباکوی ایران، برای پنجاه سال به تالبوت واگذار شد.

۲ ششصد و پنجاه هزار لیره

سرمایه‌ای که تالبوت برای تأسیس کمپانی رژمی فراهم کرد.

۳ دویست هزار نفر

کسانی که از کشت و داد و ستد این محصول زندگی می‌کردند؛ یک‌شبه بی‌آینده شدند.

۴ شانزدهم دی ۱۲۷۰

قرارداد لغو شد. بازار برنده شده بود.

دویست هزار شغل در دو سال با یک اقدام جمعی نجات پیدا کرد. چانه‌زنی سازمان‌یافته ارزان‌ترین ابزار دفاع از منافع بازار است.

خروجی

انجمن تجار اصفهان

اینجا هسته داستان است: لحظه‌ای که یک (جمع آشنایان) تصمیم گرفت "نهاد" شود.

مرام‌نامه و میراث اجتماعی

اول خرداد ۱۲۸۶

نهم اسفند ۱۲۸۵

نهم اسفند ۱۲۸۵؛ یک جمعه ساده در باغ کازرونی



گردهمایی تجار و بزرگان اصفهان، از همان سال‌های شکل‌گیری انجمن.

نهم اسفند ۱۲۸۵

روز جمعه، باغ حاج محمدحسین کازرونی

دوازده فعال اقتصادی جمع شدند تا ببینند چه می‌شود کرد. خروجی آن روز، (انجمن تجار اصفهان) بود.

نکته کمترشنیده

سه روز بعد، انجمن در تیمچه حاجی محمدابراهیم ملک‌التجار تشکیل جلسه داد و درباره ساختن یک کارخانه کاغذسازی قرار گذاشت. از جلسه دوم، این تشکل کارخانه‌ساز بود.

یک نهاد اقتصادی لزوماً از بالا ساخته نمی‌شود. برای شروع، دوازده نفر و یک باغ کافی بود.

خروجی

دوم خرداد ۱۲۸۶؛ باغ دیگر جا نداشت

حدود سه ماه بعد، همان باغ میزبان قریب دو هزار نفر از علما و تجار و کسبه شد. جمع دوستانه تبدیل به جنبش شده بود.

نامه به جهان

نامه‌نگاری با کشورهای دیگر آغاز شد تا این ایده شناخته و پشتیبانی شود.

مهر بر قرآن

پس از سخنرانی حاج آقا نورالله نجفی، همه حاضران قرآن مهر کردند و قسم خوردند از البسه و پارچه خارجی استفاده نکنند.

دو هزار نفر

بزرگ‌ترین گردهمایی اقتصادی تاریخ اصفهان تا آن روز.



چرا این جلسه مهم است؟

تحریم بدون جایگزین، فقط شعار است. انجمن این را می‌دانست؛ برای همین هم‌زمان دنبال ساختن کارخانه و تأسیس بانک رفت.

مرام‌نامه پنج‌ماده‌ای؛ کارزار تبلیغاتی بدون تبلیغات

گروهی از روحانیان و واعظان همراه انجمن، بیانیه‌ای پنج‌ماده‌ای منتشر کردند که به قانون نانوشته شهر بدل شد.

۵

وافور

وافور و اهل آن بی‌اعتبار
شمرده شود؛ زیانش مالی و
جانی و خانوادگی است و
مسری.

۴

مهمانی‌های پرخرج

در میهمانی‌های تجمل‌گرایانه
شرکت نشود.

۳

پوشاک

لباس غیرایرانی پوشیده نشود.

۲

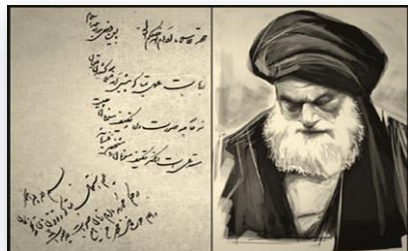
کفن اموات

اگر کفن از پارچه ایرانی
نباشد، بر آن میت نماز
خوانده نشود.

۱

اسناد شرعی

قباله‌جات و احکام شرعی
فقط روی کاغذ ساخت ایران
نوشته شود.



بیانیه را گروهی از روحانیان و واعظان همراه انجمن منتشر کردند؛ پشتوانه اجتماعی آن، همین همراهی بود.

انجمن دقیقا چه کار می کرد؟

اگر کارهای انجمن را دسته بندی کنیم، شباهتش به اتاق بازرگانی امروز حیرت آور است.

داوری



حل اختلاف بازرگانی، درون خود صنف

تنظیم گری



تعیین هنجار مشترک تجارت و مصرف

نماینده گی



یک صدای واحد در برابر حکومت

شبکه سازی



پیوند با انجمن شرقی و واعضان اصلاح طلب

دیپلماسی اقتصادی



ارتباط با بازارها و نهادهای خارجی

تأمین مالی



جمع کردن سرمایه خرد برای کار بزرگ

یک سند، یک ادعا

نظرات حاج محمدحسین کازرونی، رئیس تجار اصفهان، درباره تأسیس بانک ملی. دغدغه این جمع، سود فردا نبود؛ زیرساخت کشور بود.



مسئولیت اجتماعی، صد سال قبل از آنکه اسمی داشته باشد

خروجی این حرکت جمعی فقط کارخانه نبود؛ مدرسه بود، بیمارستان بود، کتابخانه بود.



دانش‌آموزان یکی از مدارس نوبنیاد اصفهان در همان سال‌ها.

۱ مدارس عام

باقریه، حقائق، معرفت، ایمانیه و اسلامیه؛ جایی که کودکان یتیم هم علوم و فنون روز می‌آموختند.

۲ مدرسه ویژه یتام

نهادی مستقل برای کودکان بی‌سرپرست.

۳ مریض‌خانه اسلامی

نخستین تجربه‌های درمان عمومی سازمان‌یافته در شهر.

۴ قرائت‌خانه

برای نشر معارف و آگاهی مردم از اخبار روز.

۵ امنیت راه‌ها

هم دغدغه اجتماعی بود، هم شرط بقای تجارت.

تاریخ کارآفرینی اصفهان

خروجی

مدرسه و بیمارستان برای این تجار کار خیر حاشیه‌ای نبود؛ سرمایه‌گذاری روی نیروی کار و امنیت بازار خودشان بود.

چهره‌های ماندگار

پشت هر کارخانه و هر تشکل این شهر، یک آدم ایستاده است. این بخش، نه چهره و نه داستان است.

مردانی که کارخانه و مدرسه را با هم ساختند

از امین‌الضرب تا همدانیان

چهره‌ها و داستان‌هایشان

حاج محمدحسین کازرونی

تاجر، صنعتگر، بنیان‌گذار انجمن تجار و نخستین رئیس اتاق تجارت اصفهان

متولد حدود ۱۲۳۱، فرزند حاج محمدجعفر، معروف به حاج کاکا حسین. روایت مشهور شهر این است که وقتی از شیراز به اصفهان آمد طبق‌کش بود و در کوچه و خیابان جنس می‌فروخت. در دوره مشروطه به دومین مرد ثروتمند اصفهان بدل شد و اردیبهشت ۱۳۱۱ درگذشت.

۱۳۱۰

بنیان‌گذار و نخستین رئیس اتاق
تجارت اصفهان

۱۲۸۵

بنیان‌گذار انجمن تجار در باغ
خود؛ نماینده تجار در انجمن
ولایتی

۱۳۰۹ قمری

تأسیس شرکت مسعودیه، با
حمایت حاج آقا نورالله نجفی و
مشارکت تجار تنباکوی اصفهان



او از مؤسسان بانک ملی در آغاز مشروطه بود و برای آن پول فراوان داد. مطالبه زیرساخت، بخشی از کار او بود نه حاشیه آن.

خروجی

حاج محمدحسین امین‌الضرب

خاندانی اصفهانی تبار؛ متولی ضرب‌خانه و نخستین رئیس مجلس وکلای تجار

حاج محمدحسن امین‌الضرب سال ۱۲۱۷ در اصفهان به دنیا آمد، در خانواده‌ای که دست کم سه نسل تاجر بودند. پدرش را در نوجوانی از دست داد و خودش را تا ثروتمندترین مرد ایران و متولی ضرب‌خانه دولت شود.



۱۲۶۳

ریاست مجلس وکلای تجار؛ نخستین نهاد نمایندگی رسمی بازرگانان ایران

کمپانی تنباکو

از سهامداران اصلی شرکت
اثنی‌عشری، شرکتی که برای دور
زدن انحصار رژی ساخته شد

ضرب‌خانه

اداره ضرب سکه در دوره ناصری .
پیش از آنکه ایران بانک داشته باشد،
این خاندان بانک ایران بودند

مطالبه او بانک ملی بود، نه معافیت و امتیاز. بخش خصوصی بالغ برای زیرساخت چانه می‌زند، نه برای رانت.

خروجی

حاج محمد ابراهیم ملک‌التجار

ثروتمندترین تاجر اصفهان در اواخر قاجار و واقف بزرگ شهر

فرزند حاج آقا محمد صدر، رئیس جامعه تجار اصفهان. پدرش در نامه‌ای به تجارتخانه ساسون، او و برادرش عبدالرحیم را وارثان تجاری خود معرفی کرد. اسناد تجاری کمپانی او از ۱۳۱۶ تا ۱۳۴۱ قمری امروز موضوع پژوهش دانشگاهی است. در ۱۳۴۱ قمری درگذشت و دامادش محمدباقر کار را ادامه داد.



۱۲۸۵

جلسه دوم انجمن تجار در تیمچه
او برگزار شد؛ نماینده صنف تجار
در انجمن مقدس ملی

خیرات

ساخت مدرسه، تعمیر مسجد،
حمایت از روزنامه‌ها و چاپ کتاب

موقوفات

انگورستان ملک، دروازه اشرف و
تیمچه ملک در بازار بزرگ، همه
وقف اوست

آنچه امروز یک اتاق کامل انجامش می‌دهد، آن روز نام یک آدم داشت: نمایندگی، داوری و ضمانت.

خروجی

فضل الله دهش، ملقب به عطاءالملک

تحصیل کرده صنایع در کالج بمبئی؛ بنیان‌گذار نخستین نساجی و نخستین برق اصفهان

ششم اردیبهشت ۱۲۴۰ در اصفهان به دنیا آمد، فرزند حاج محمدحسین شیرازی. در دوره ناصرالدین‌شاه برای تحصیل به هند رفت و از کالج بمبئی در رشته صنایع فارغ‌التحصیل شد؛ ایده آوردن صنعت جدید به ایران همان‌جا در ذهنش جرقه خورد. دوم اردیبهشت ۱۳۳۸ درگذشت.



۱۳۱۳ به بعد

کارخانه ریسندگی برق نزدیک پل خواجه، و سپس ریسندگی دهش که بعدها نور نام گرفت

برق اصفهان

تجهیزات را با گاری از آلمان آورد و نخستین بار چهلستون و عالی‌قاپو را چراغانی کرد

۱۳۰۰

تأسیس نخستین کارخانه نساجی اصفهان؛ بعدها سهم خود را به کازرونی فروخت

خانه او امروز اثر ملی ثبت‌شده و موزه آموزش و پرورش است، و نامش روی کوچه‌ای در شمس‌آباد مانده.

خروجی

حاج سید عبدالرحیم محمودیه

مدیرعامل کارخانه زاینده‌رود و دومین رئیس اتاق بازرگانی اصفهان

وقتی ثابت شد مدل «سهام مردمی» ریسباف جواب می‌دهد، اصفهان تصمیم گرفت یک بار دیگر امتحانش کند. سال ۱۳۱۴ کارخانه زاینده‌رود با پول سیصد نفر راه افتاد و کلیدش را دادند دست یک تاجر جوان: عبدالرحیم محمودیه. چند سال بعد، همان جوان روی صندلی ریاست اتاق نشسته بود.

اتاق

دومین رئیس اتاق بازرگانی اصفهان

۳۰۰ نفر

شمار کسانی که سرمایه این کارخانه را تأمین کردند

۱۳۱۴

مدیرعامل کارخانه زاینده‌رود، سومین صنعت بزرگ اصفهان



خروجی مسیر او تکرارپذیر است: اول اداره یک بنگاه مردمی، بعد نمایندگی بخش خصوصی. نماینده باید از دل بنگاه بیاید.

برادران همدانیان

علی و حسین همدانیان؛ صنعتگرانی که ثروتشان را وقف کردند

دو برادر که کار را از پشت پیشخوان تجارتخانه پدر شروع کردند و بزرگ‌ترین کارآفرینان شهر شدند. سیمان، قند و دو کارخانه نساجی آن‌ها در دهه ۱۳۴۰ روی هم هشت هزار کارگر داشت؛ یعنی حدود یک‌دهم کل نیروی کار اصفهان. کارخانه شهناز به‌تنهایی روزانه ۱۲۰ هزار متر مربع پارچه می‌بافت.

قند نقش جهان

۲۲ هزار تن شکر؛ به‌همراه ۷۵ خانه، مدرسه، نانواپی، بهداری و سرویس رفت‌وآمد برای کارکنان

۱۳۳۷

سیمان اصفهان به بهره‌برداری رسید و در دو سال و نیم، شصت درصد سرمایه اولیه را بازگرداند

۱۳۱۴

علی همدانیان در ۲۷ سالگی شرکت صنایع پشم اصفهان را تأسیس کرد



او ثروت را از تقسیم‌شدن نجات داد تا بازدهی‌اش نمیرد. مسئله جانشینی در بنگاه‌های خانوادگی صد سال است همین است.

خروجی

محمد علی معین‌امین

صنعتگر و از رؤسای اتاق بازرگانی اصفهان

نام معین‌امین از همان فهرست بنیان‌گذاران سال ۱۳۱۰ در تاریخ اتاق هست و دهه‌ها بعد هم در ترکیب هیئت نمایندگان دیده می‌شود. او از نسلی است که فهمید اصفهان نمی‌تواند تا ابد فقط پارچه بفروشد؛ نسلی که اقتصاد شهر را به سمت صنایع غذایی و مصرفی برد، از جمله در اداره کارخانه روغن نباتی ناز.

اتاق

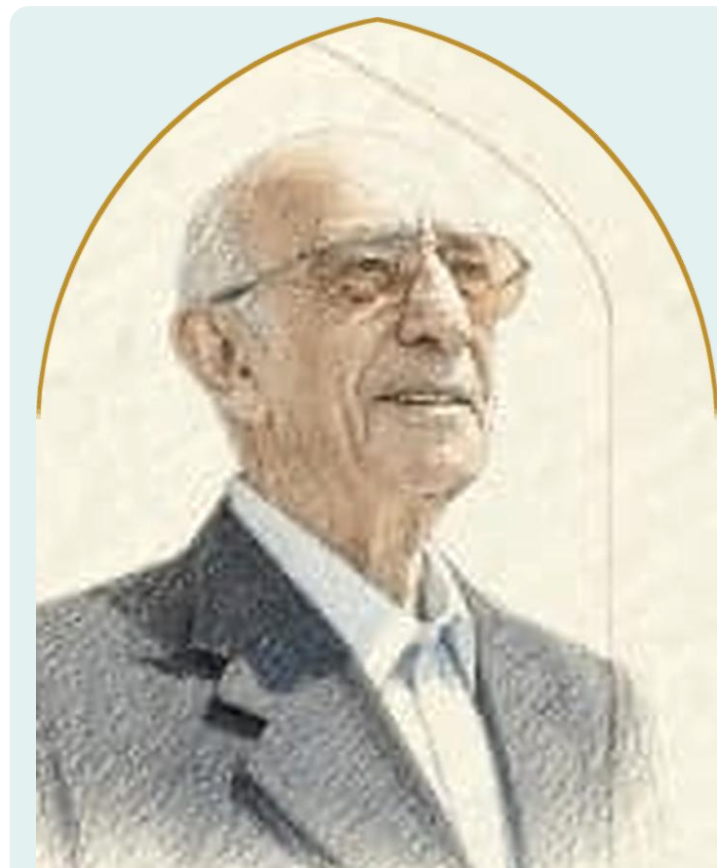
ششمین رئیس اتاق بازرگانی
اصفهان

صنایع غذایی

از چهره‌های اداره کارخانه روغن
نباتی ناز

۱۳۱۰

خاندان معین‌امین در فهرست
بنیان‌گذاران اتاق تجارت اصفهان



وقتی نساجی اشباع شد، این نسل سراغ صنایع غذایی رفت. تنوع‌بخشی به سبد صنعتی یک تصمیم بود، نه یک اتفاق.

خروجی

سید حبیب‌الله امین‌التجار

تاجر، آزادی‌خواه و از حامیان مالی نهضت مشروطه

امین‌التجار هم مثل ملک‌التجار بیشتر از یک اسم است. این لقب روی چند تن از معتبرترین بازرگانان اصفهان نشست؛ کسانی که پولشان در حجره حبس نمی‌شد و سر از مدرسه، تکیه و حتی نهضت مشروطه درمی‌آورد. سید حبیب‌الله امین‌التجار اصفهانی از آزادی‌خواهان و از حامیان مالی مشروطه بود.

بازار

از معتبرترین بازرگانان اصفهان در
اواخر دوره قاجار

شهر

آثاری چون تکیه و عمارت
امین‌التجار، از میراث این خاندان

مشروطه

حمایت مالی از نهضت، در کنار
فعالیت بازرگانی

خروجی

سرمایه‌ای که فقط در حجره بماند شهر نمی‌سازد. اعتبار این خاندان از هزینه‌کردشان آمد، نه از
موجودی‌شان.



حاج سید جواد کسای

جوانی که بزرگ‌ترین تجربه جمع‌سپاری اصفهان را اداره کرد

سال ۱۳۱۳ سهام‌داران ریسباف باید یک نفر را انتخاب می‌کردند تا پول مردم را بگرداند. انتخابشان یک جوان بود: سید جواد کسای. ریسباف در دوره او نماد صنعت اصفهان شد و خودش به ریاست اتاق رسید. اما داستان خوش تمام نشد؛ سال ۱۳۳۴ کارخانه ورشکست شد و کسای استعفا داد و رفت.

۱۳۳۴

استعفا از مدیریت، پس از
ورشکستگی کارخانه

اتاق

سومین رئیس اتاق بازرگانی اصفهان
و از بنیان‌گذاران آن

۱۳۱۳

مدیریت کارخانه ریسباف، نخستین
مشارکت جمعی موفق مردم

داستان او ورشکستگی هم دارد. تاریخ کارآفرینی بدون شکست، تاریخ نیست؛ تبلیغ است.

خروجی



شرکت اسلامیة

تشکل بدون بنگاه بی اثر است. تجار اصفهان این را می دانستند و یک شرکت سهامی مردمی ساختند.

فروردین ۱۲۷۸

نهمصد هزار تومان سهام مردمی

میراثی که سه دهه بعد تکرار شد

وقتی هزار نفر در یک جلسه، سهام‌دار شدند

نخستین تجربه بزرگ سهام مردمی در اصفهان و یکی از نخستین شرکت‌های سهامی ایران.

چه می‌ساخت؟

منسوجات وطنی، و در کنارش صرافی و برات.

ساختار سرمایه

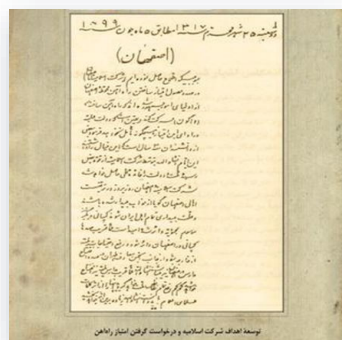
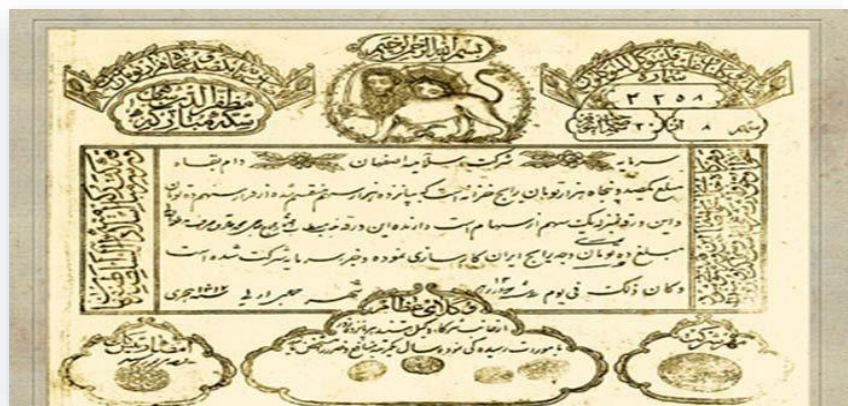
صد و پنجاه هزار تومان سرمایه، در پانزده هزار سهم ده‌تومانی. شرکت سهامی عام بود.

پول از کجا آمد؟

هزار نفر از روحانیان، رجال و تجار به مجلسی دعوت شدند. ملک‌المکملین از نابسامانی اقتصاد کشور گفت و در مدتی کوتاه، نهصد هزار تومان سهام خریداری شد.

چرا ده تومان؟

قیمت پایین هر سهم، سهامدارشدن را برای کاسب بازار هم ممکن می‌کرد.



بالا: ورقه سهام دوره قاجار.
پایین: سند توسعه اهداف شرکت اسلامیة و درخواست امتیاز راه‌آهن.

نهصد هزار تومان از هزاران سهام‌دار خرد جمع شد، بدون بانک و بدون بورس. ابزار جمع‌آوری سرمایه، اعتماد بود.

خروجی

شبکه‌ای که از اصفهان تا کلکته کشیده شد

کازرونی دو شرکت داشت: مسعودیه برای تجارت خارجی و صرافی، و اسلامییه برای تولید منسوجات.

شعب داخلی

نماینده‌های خارج از کشور

تهران

شیراز

بوشهر

لندن

کلکته

بمبئی

قاهره

مشهد

تبریز

کاشان

استانبول

بغداد

مسکو

بادکوبه

مسعودیه، شرکت خواهر

تجارت خارجی و صرافی. صورت جمع و خرجش را هر چند سال در روزنامه‌های ثریا، ادب و چهره‌نما منتشر می‌کرد؛ شفافیت مالی، صد و بیست سال پیش.

انتقال فناوری و اسناد

امین‌الضرب مهندسی اروپایی به نام موسیو بوتن را برای تجهیزات به اصفهان فرستاد. اوراق سهام و برات‌های شرکت در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود.

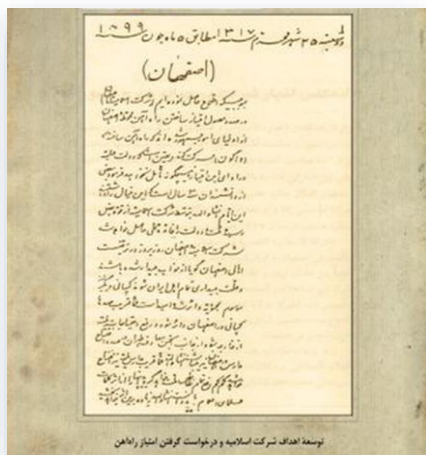


خروجی

یک شرکت اصفهانی در سال ۱۲۷۸ در هشت شهر خارجی نماینده داشت. بین‌المللی‌شدن، خواسته تازه‌ای در این شهر نیست؛ سابقه‌اش بیش از یک قرن است.

اساسنامه‌ای که لباس مدیرانش را هم تعیین می‌کرد

اساسنامه اسلامی یک سند شرکتی معمولی نبود؛ یک برنامه توسعه صنعتی بود.



سند توسعه اهداف شرکت اسلامی و درخواست گرفتن امتیاز راه آهن.

تعهد اول: ترقی کالای داخلی

همه توان شرکت صرف رونق متاع داخلی شود.

تعهد دوم: آوردن ماشین

وارد کردن چرخ و اسباب و برپا کردن کارخانه مفید.

تعهد سوم: صادرات

حمل کالای داخلی به خارج، مأموریت رسمی شرکت بود.

تعهد چهارم: زیرساخت

اقدام برای کشیدن راه شوسه و راه آهن.

ماده بیست و چهارم

همه ارکان شرکت، از رئیس تا کارمند، موظف بودند لباسشان از منسوجات داخلی باشد.

این شرکت خودش را موظف به ساختن راه آهن و وارد کردن ماشین کرده بود. تعریف بنگاه در آن روزگار، بسیار گسترده‌تر از سود سهامداران بود.

خروجی

چهل سالی که بازار، سازمان شد

از اعتراض به رژی تا تأسیس اتاق تجارت.



نهاد مدنی در ۱۲۸۵ ساخته شد، نهاد قانونی در ۱۳۱۰. قانون این نهاد را تأیید کرد، نساخت.

خروجی

عصر کارخانه

در دو دهه نخست پهلوی اول، اصفهان چیزی ساخت که هنوز اسمش را با افتخار می‌برند: منچستر ایران.

۱۳۰۴ و دو رویداد

ریسباف و زاینده‌رود

برندهایی که هنوز زنده‌اند

سه اهرمی که کارخانه‌های اصفهان را ممکن کرد

بدون این سه تصمیم دولتی، سرمایه بازار اصفهان به کارخانه تبدیل نمی‌شد.

اواسط دهه ۱۳۱۰

تعرفه و اعتبار

تعرفه سنگین بر واردات، به‌علاوه وام بانکی و اعتبار تجاری برای سرمایه‌گذاران. حمایت هم‌زمان از دو سو آمد.

۱۳۰۴

معافیت گمرکی ماشین‌آلات

قانونی که ماشین‌آلات صنعتی را ده سال از حقوق گمرکی معاف کرد. هزینه ورود به صنعت یک‌باره پایین آمد.

۱۳۰۲

اجبار پوشش داخلی

فرمان دولتی کارمندان را موظف کرد فقط لباس ساخت ایران بپوشند. یعنی دولت، مشتری تضمین‌شده تولید داخلی شد.

از ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۷

یازده کارخانه ریسندگی و بافندگی، یک جوراب‌بافی، یک کفش‌سازی، دو کاغذسازی و یک کهریت‌سازی؛ باز هم همه خصوصی.

تا سال ۱۳۱۱

یک کارخانه بزرگ نساجی، یک نیروگاه برق و پنج کارخانه سیگارسازی، همه با سرمایه خصوصی.



کارخانه‌های اصفهان محصول بازار آزاد نبودند؛ محصول ترکیب سرمایه خصوصی با حمایت دولتی بودند. هر روایتی که یکی از این دو را حذف کند ناقص است.

خروجی

سال ۱۳۰۴؛ دو خبر که همه چیز را عوض کرد

کارخانه وطن

حاج محمدحسین کازرونی

نزدیک پل خواجه، ریسندگی و بافندگی «وطن» برپا شد؛ نامی که خودش یک بیانیه سیاسی بود.

برق اصفهان

خاندان دهش

کارخانه برق با قدرت ۹۹ کیلووات و سوخت هیزمی، نزدیک چهلستون. بدون برق، کارخانه فقط یک نقشه روی کاغذ بود.

چرا ۱۳۰۴ و نه زودتر؟

سه شرط همزمان جور شد: امنیت نسبی پس از سالهای آشوب، دسترسی به نیروی محرکه و مهمتر از هر دو، شبکه‌ای از تاجران که دو دهه در انجمن، اعتماد و شراکت را تمرین کرده بودند.



سه شرط همزمان لازم بود: امنیت، انرژی، شبکه اعتماد. نبود هر کدام، دو تای دیگر را بی‌اثر می‌کرد.

خروجی

کارخانه وطن؛ پرچمدار تولید ملی



سردر و دودکش آجری وطن، سال‌ها نشان صنعتی اصفهان بود.

۱۲۰۰ نفر

شمار کارکنان

۱۳۰۴

سال تأسیس

۱۳۵۲

۲۴ سال

مؤسسان

عطاءالملک دهش و حاج محمدحسین کازرونی؛ سومین کارخانه نساجی مدرن ایران

مدیریت

محمدجعفر کازرونی که در ۲۴ سالگی یکی از بزرگ‌ترین بنگاه‌های کشور را می‌گرداند

ماشین‌آلات

از آلمان، از جاده کوهستانی همدان؛ رساندنش چند سال طول کشید

نخستین محصول

پارچه کلفت سریازی، و نخستین پارچه پشمی و پتوی تولید داخل کشور

بقای کارخانه

وابسته به کمک مالی دولت و دستور پوشش داخلی برای کارمندان بود

خروجی

هزار و دویست شغل، با مدیری بیست‌و‌چهار ساله. سپردن بنگاه بزرگ به نسل جوان در اصفهان استثنا نبود؛ رویه بود.

آبان ۱۳۱۱؛ روی دیگر داستان جمع‌سپاری

تاریخ‌نگاری صادقانه یعنی این بخش را هم گفتن.

۱۳۱۳ و ۱۳۱۴

موج بعدی

ریسباف، زاینده‌رود، شهرضا، نختاب و پشمباف پشت سر هم راه افتادند. تراکم این تاریخ‌ها تصادفی نیست.

نهم بهمن ۱۳۱۱

کلنگ ریسباف

تنها حدود سه ماه پس از آن دیدار، کلنگ بزرگ‌ترین طرح صنعتی مشارکتی شهر بر زمین زده شد.

آبان ۱۳۱۱

سفر رضاشاه به اصفهان

او با سرمایه‌داران و تجار شهر دیدار کرد و از آنان خواست سرمایه‌شان را در قالب شرکت وارد کار تولیدی کنند. منابع تاریخی از این دیدار با تعبیر تشویق و در عین حال تهدید یاد می‌کنند.

یا اصلاً مردمی نبود؟

پس داوطلبانه نبود؟

هر دو درست است. سرمایه اجتماعی اصفهان از ۱۲۸۵ زمینه را ساخته بود، اما جرقه نهایی از بالا آمد. بدون آن شبکه، فشار حکومتی هم به کارخانه ختم نمی‌شد.

خروجی

پول این کارخانه‌ها از کجا آمد؟

پاسخ، هم افتخارآمیز است و هم ناخوشایند.



بازده بالا

نرخ بازده و سود تقسیمی بالا، خرید سهام کارخانه را به یک سرمایه‌گذاری محبوب و همه‌گیر تبدیل کرد.



سهام هزار ریالی

همه این کارخانه‌ها بنگاه خصوصی با پایه سرمایه‌گذاری گسترده بودند. سهام در قطعات کوچک هزار ریالی منتشر می‌شد تا طبقه متوسط هم بتواند بخرد.



ثروت تجارت خارجی

بخش عمده سرمایه این کارخانه‌ها از ثروت هنگفتی آمد که تجار مرفه از تجارت خارجی اندوخته بودند؛ به‌ویژه از تجارت تریاک.



گزارش وزارت خارجه بریتانیا، مهر ۱۳۱۵

در گزارشی درباره وضع اقتصادی اصفهان آمده است که تقریباً هر گروهی از مردم شهر و توابعش، بخشی یا تمام پس‌انداز خود را در این بنگاه‌ها سرمایه‌گذاری کرده بود.

خروجی

ثروت تریاک به کارخانه نساجی تبدیل شد. تاریخ اقتصادی قهرمان خالص کم دارد؛ اما همین انتقال سرمایه از تجارت به تولید، نقطه عطف اصفهان بود.

ریسباف و زاینده‌رود؛ وقتی مردم سهام‌دار کارخانه شدند

دو تجربه پیاپی که ثابت کرد مدل سرمایه خرد جمعی در اصفهان جواب می‌دهد.



زاینده‌رود ۱۳۱۴

- سومین صنعت بزرگ اصفهان، پس از وطن و ریسباف.
- با سرمایه سیصد تأمین‌کننده مالی آغاز به کار کرد.
- رسته فعالیت: عمدتاً تولید نخ.
- مدیرعامل: عبدالرحیم محمودیه، که بعدها رئیس اتاق شد.
- الگوی سهام‌داری خرد، از این پس رویه رایج شهر شد.

ریسباف ۱۳۱۳

- کلنگ آن نهم بهمن ۱۳۱۱ در جنوب شرقی سی‌وسه‌پل زده شد.
- سرمایه اولیه حدود ۳۱۴ هزار تومان، در قالب شرکت سهامی.
- ساخت به دست استاد معتمدی، زیر نظر ماکس اتو شونمان آلمانی.
- سال ۱۳۱۳ بخش بافندگی افتتاح شد و پتوی ریسباف به تولید رسید.
- مدیریت: سیدجواد کسای. سال ۱۳۳۴ ورشکست شد و او استعفا داد.

یک مدل، دو بار پشت سر هم جواب داد: سرمایه خرد مردمی به‌علاوه مدیر جوان مورد اعتماد. این یک الگوی تکرارپذیر است نه یک اتفاق.

خروجی

کارنامه شصت ساله صنعت اصفهان

از یک شیرینی‌فروشی در ۱۲۸۱ تا کارخانه قند و روغن در دهه ۱۳۴۰.

نام بنگاه	سال تأسیس	رسته فعالیت	چهره‌های کلیدی
گز کرمانی	۱۲۸۱	گز و سوهان	برادران محسن‌زاده کرمانی
وطن	۱۳۰۴	پارچه و پتو	فضل‌اله دهش و محمدحسین کازرونی
رحیم‌زاده	۱۳۱۲	نساجی	عبدالرسول رحیم‌زاده
ریسباف	۱۳۱۳	ریسمان و پارچه	مشارکت مردم، مدیریت سیدجواد کسای
زاینده‌رود	۱۳۱۴	تولید نخ	سیصد سرمایه‌گذار، مدیریت عبدالرحیم محمودیه
شهرضا	۱۳۱۴	نخ‌ریسی	-
نختاب	۱۳۱۴	قرقره خیاطی	خاندان ساسون
پشمباف	۱۳۱۴	پارچه پشمی	سید احمد روغنی، حسین صحت، مهدی میراشرافی
نور	۱۳۱۵	تولید نخ	دهش
صنایع پشم	۱۳۱۴	پشم و نساجی	علی همدانیان، در ۲۷ سالگی
شهناز (بافتاز)	۱۳۲۹	ریسندگی و بافندگی	با سرمایه‌گذاری حسین همدانیان
سیمان اصفهان	۱۳۳۴	سیمان	چهارمین کارخانه سیمان ایران؛ همدانیان
قند اصفهان	۱۳۳۷	قند و شکر از چغندر	بهره‌برداری از مهر ۱۳۴۰
روغن نباتی ناز	۱۳۳۷	روغن خوراکی	بهره‌برداری ۱۳۴۱ با پنج تن در روز

الگو در شصت سال عوض نشد، فقط محصول عوض شد: چند خانواده بازاری، سرمایه جمعی، و کالایی که تا دیروز وارد می‌شد.

خروجی

چرا اصفهان شد «منچستر ایران»؟

در دوره پهلوی اول، تمرکز حدود بیست و دو کارخانه نساجی در یک شهر، این لقب را ساخت.



۲۲

کارخانه نساجی، در یک شهر. همین عدد، لقب شهر را ساخت.

برکت زایندهرود

آب کافی برای شست و شو، رنگرزی و نیروی محرکه.

امنیت مرکز

دور از مرز و از دسترس ناامنی، در قلب کشور.

سنت بافندگی

قرن‌ها مهارت انباشته شعربافی، عبابافی و رنگرزی.

بازار آماده

شبکه توزیع سنتی و دسترسی به مصرف داخلی.

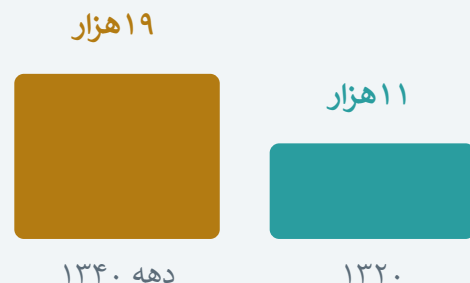
خروجی: سرمایه اجتماعی تجار

مهم‌ترین عامل: شبکه‌ای که اعتماد و شراکت را در انجمن یاد گرفته بود.

صنعت اصفهان در چهار عدد

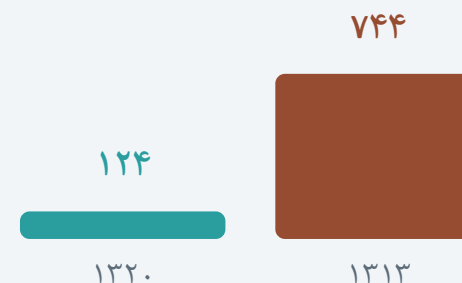
همان روایت، این بار بدون کلمه.

کارگران نساجی اصفهان



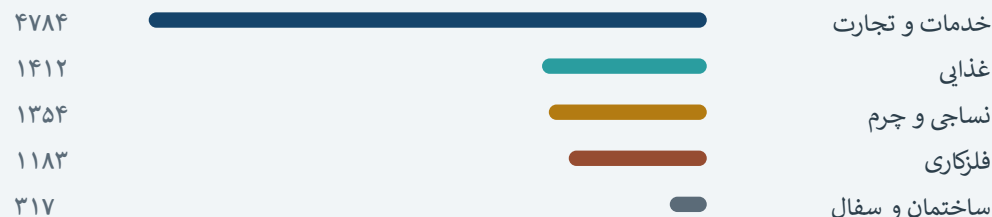
در پایان دوره پهلوی اول، یک چهارم ساکنان شهر نانشان از صنایع نوپا درمی آمد.

واردات منسوجات پشمی، به تن



در هفت سال، شش برابر کاهش. عدد سال ۱۳۱۳ برآوردی است.

پیشه‌وران سنتی اصفهان در ۱۳۰۳ : ۹,۵۵۵ نفر



سهم اصفهان از تولید نساجی کشور

نزدیک ۵۰٪

اواسط دهه ۱۳۴۰: بیست و پنج واحد فعال، شش تا با بیش از هزار کارگر.



صنعتی شدن اصفهان یک شعار نبود؛ یک جابه جایی قابل اندازه گیری در واردات، اشتغال و سهم تولید ملی بود.

خروجی

گز؛ روزی که یک شیرینی محلی، برند شد

سال ۱۲۸۱، کیفیت گز اصفهان چنان افت کرده بود که خطر فراموشی تهدیدش می کرد. سه برادر تصمیم گرفتند نجاتش دهند.



حاج میرزا حسن محمد زاده کرمانی حاج میرزا امین محمد زاده کرمانی حاج میرزا علی محمد زاده کرمانی

برادران محسن زاده کرمانی؛ بنیان گذاران نخستین برند ثبت شده گز اصفهان.

مسئله

۱

گز جنس بی نام بود. هر قنادی مقدار کمی می ساخت، هیچ کس ضامن کیفیتش نبود و بدنامی دامن همه را گرفته بود.

نوآوری

۲

حاج میرزا حسین کرمانی گلوکز مایع را از باکو وارد کرد. وابستگی به گز انگبین کمیاب شکست، قیمت پایین آمد و تولید در مقیاس بزرگ ممکن شد.

نتیجه

۳

گز از یک خوراکی محلی به کالای صادراتی و نشان شهر تبدیل شد. برند سه نسل دست به دست شد و امروز بیش از یک قرن قدمت دارد.

مشکل گز کیفیت نبود؛ نبود نام و ضمانت بود. برند، ارزان ترین راه نجات یک صنعت پراکنده است.

خروجی

کارخانه‌ای که ساختمان نداشت

کنار دودکش‌های نساجی، اصفهان یک صنعت صادراتی دیگر هم داشت که کل خط تولیدش در خانه‌ها پخش بود.



خاتم و منبت

صنعتی دقیق که سرمایه اولیه‌اش فقط مهارت بود.



قلم‌زنی

نقش بر مس و نقره، کار استاد و شاگرد در دل بازار.



میناکاری

لاجورد روی مس؛ هنری که اسمش با اصفهان گره خورده است.



فرش

گره‌ای که در خانه زده می‌شد و در تجارتخانه به ارز تبدیل.



قلمکار

پارچه چاپ‌دستی با مهر چوبی؛ سوغات ثابت مسافران اروپایی.

چرا مهم است؟

وقتی پارچه ماشینی اروپا بازار نساجی را زد، همین صنایع بودند که ارز به شهر برگرداندند و نگذاشتند بازار خالی شود.

مدل کسب‌وکار

کارگاه خانگی تولید می‌کرد، تجارتخانه بازار پیدا می‌کرد. سرمایه ثابت نزدیک صفر، اشتغال بسیار بالا.

خروجی

این خوشه با سرمایه ثابت نزدیک صفر، بیشترین اشتغال را ساخت. وقتی نساجی زمین خورد، همین ارز را به شهر برگرداند.

تولد اتاق

آنچه در ۱۲۸۵ داوطلبانه شروع شده بود، در ۱۳۱۰ قالب قانونی گرفت و ماندگار شد.

سیر تطور قانونی

مؤسسان سال ۱۳۱۰

رؤسای نخستین دوره‌ها

از مجلس وکلای تجار تا اتاق امروز

۱۳۱۰

سه ماه بعد، نخستین جلسه اتاق تجارت اصفهان با ریاست حاج محمدحسین کازرونی برگزار شد.

۱۳۰۹

مجلس، قانون اتاق‌های تجارت را تصویب کرد و تأسیس ۳۶ اتاق در شهرهای بزرگ را پذیرفت.

۱۳۰۵

نخستین اتاق تجارت ایران در وزارت بازرگانی تشکیل شد؛ ریاست با حاج امین اصفهانی بود.

۱۲۶۳

شکل‌گیری (مجلس وکلای تجار) در تهران؛ نخستین نمایندگی رسمی بازرگانان ایران.

۱۳۹۱

کشاورزی هم به نام اتاق افزوده شد؛ نام امروزی از این سال است.

۱۳۶۹

قانون اتاق بازرگانی، صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران تصویب شد.

دهه ۱۳۲۰

با تصویب «قانون تشکیل اتاق بازرگانی»، این نام رسمیت یافت.

۱۳۱۴

دولت شمار اتاق‌ها را به ۱۶ کاهش داد و نظارتش را بیشتر کرد.

هشت نامی که اتاق را بنا گذاشتند

کازرونی به همراه جمعی از تجار برجسته اصفهان، اتاق تجارت شهر را تأسیس کرد.

حاج عبدالعلی فیض

حاج میرزا حسن
اعتمادالتجار

حاج سید عبدالکریم
محمودیه

حاج محمدحسین کازرونی

محمدکاظم مثقالی

سید جواد کسای

میرزا حسن سلطانی

حاج میرزا آقا معین‌امین

مؤسسان اتاق، مدیران کارخانه‌ها بودند. این نهاد از دل تولید بیرون آمد، نه از دل اداره.

خروجی

رؤسای نخستین دوره‌های اتاق بازرگانی اصفهان



محمدعلی معین

رئیس ششم



سلطان مرادخان بختيار

رئیس پنجم



حاج زین العابدین امین

رئیس چهارم



حاج سید جواد کسایی

رئیس سوم



سید عبدالرحیم
محمودیه

رئیس دوم



حاج محمدحسین
کازرونی

رئیس نخست

هر سه رئیس اول، یک کارخانه را اداره کرده بودند. صلاحیت نمایندگی از تجربه بنگاهداری می‌آمد، نه از عنوان.

خروجی

پنج درسی که این تاریخ به امروز می‌دهد

۱

نهاد، پیش از قانون

انجمن ربع قرن زودتر از
اتاق کار می‌کرد. نهاد پایدار
از نیاز واقعی می‌آید، نه از
ابلاغیه.

۲

سرمایه خرد جمعی

از ۹۰۰ هزار تومان اسلامیة
تا ۳۰۰ سرمایه‌گذار
زاینده‌رود؛ اصفهان یک قرن
است جمع‌سپاری می‌کند.

۳

اعتماد به جوان‌ها

مدیریت وطن در ۲۴ سالگی،
ریسباف به یک جوان
خوش‌فکر. سپردن کار به
نسل بعد، سنت این شهر
است.

۴

تولید و جامعه با هم

مدرسه، بیمارستان و
کتابخانه بخشی از دستور
کار تجار بود، نه کار خیر
حاشیه‌ای.

۵

پیوستگی، نه گسست

خطی روشن از قیصریه
صفوی تا کمیسیون‌های
اتاق دهم کشیده شده. این
پیوستگی، خودش سرمایه
است.



یک نخ، صد و بیست سال

دوازده تاجر در یک باغ. دو هزار نفر در یک گردهمایی. نهصد هزار تومان سهام مردمی. بیست و دو کارخانه نساجی. یک اتاق تجارت در سال ۱۳۱۰. و امروز، پارلمانی برای بخش خصوصی یک استان.

آنچه این نقطه‌ها را به هم وصل می‌کند سرمایه نیست؛ اعتماد سازمان‌یافته است.

تهیه و تدوین: نوید ادریس

